

هر کجا که ذکر بوسعید رود دلها خوش گردد زیرا که از بوسعید بی بوسعید هیچ چیز بنمانده است.

جستجو و تحقیق در مباحث عرفان اسلامی و گرایش به آشنایی و شناسایی عارفان و ماجراهای صوفیانه ایشان توجه به ماجرای بزرگ یگانه‌ای است که سالها افق مشرق زمین را منور می‌ساخت و تابش اشعه‌های نورانی آن هنوز نه تنها مشرقیان بلکه مغرب نشینان را نیز محظوظ می‌سازد.

رویکرد گسترده شرق شناسان خصوصاً مستشرقین اروپایی (و اخیراً آمریکایی) به حوزه عرفان اسلامی سالهاست که موجب آمده تا آثار متعدد این بزرگان معرفت و اندیشه از عزلت معابر خاموش بیرون آید و با یافتن شنوندگان جدید گویای حقایق شود که سالها در پس پرده حقیقت و افسانه متواری بود و از آن جز قصه‌ها و روایت‌های ساده شگفت‌آور چیزی بازمانده بود.

سالهاست که شرق شناسان روسی، آلمانی، فرانسوی، انگلیسی، سویسی، هلندی متون عرفانی ادب فارسی و عربی را تصحیح و ترجمه کرده و به دنیای معرفت و فلسفه تقدیم می‌نمایند غیر از کارهای سترگ و گرانمایه در حوزه تصحیح متن که توسط نیکلسون، ژوکوفسکی، کرین، اربری، مایر و... انجام شد در میدان تحقیق و تتبع در آثار و افکار و احوال ارباب عشق و جذبه نیز کینکاشها و جستجوهای صورت گرفته که عموماً باز از طرف همین مغربیان بوده است، از نمونه‌های خوب

این آثار می‌توان به تحقیق مرحوم هلموت ریتز درباره عطار به نام «دریای جان»، تحقیق و بررسی دیروین برآثار و افکار و احوال سنایی به نام «حکیم اقلیم عشق»، شرح مثنوی نیکلسون، مطالعات، ماسینیون برحلاج و تلاش‌های کرین بر آثار روزبهان اشاره کرد. نسل بعدی این مستشرقین چون خانم آن ماری شمیل، پل بلنفت فرانسوی، کارل ارنست آمریکایی و دیروین هلندی هم اکنون نیز ادامه دهند، راه آن اساتید کهن هستند.

در این میان می‌توان به اثر برجسته پل نویا در حوزه زبان اشارت و عبارت عرفان با عنوان تفسیر قرآنی و زبان عرفانی و روزبهان بقلی تالیف کارل ارنست اشاره کرد.

فریتز مایر (۱۹۹۸-۱۹۱۲) استاد برجسته سویسی دانشگاه‌های سویس، آلمان و مصر پیش از انتشار اثر برجسته خود در سال ۱۹۷۶ درباره ابوسعید، سالها مشغول مطالعه و تحقیق در آثار عرفا و شعرای ایران بوده است. او همکار چندین ساله هلموت ریتز در کتابخانه استانبول بود. از آثار وی تصحیح و چاپ فردوس المرشدیه محمودبن عثمان درباره شیخ ابواسحاق کازرونی و همچنین تحقیق درباره شیخ نجم‌الدین گبری همراه با تصحیح کتاب «فوایح الجمال و فواتح الجلال» وی است در کتاب «مهستی زیبا» ی مایر رباعیات مهستی شاعره ایرانی به دقت و ظرافت ترجمه و سپس نکته‌های تاریخی، ادبی، اجتماعی آن به شرح باز نموده شده است.

اما آنچه که مؤلف رابه سوی پژوهشی درباره ابوسعید ابوالخیر می‌کشاند همانا آن شور و شادی و حالات پر از نشاطی است که از لابلای حکایات مربوط به او جلوه‌گر می‌شود.

به تصویر کشیدن حیات عارفی که از شور و عشق و مستی قرار ندارد و هر آن در هر رقصی جامه برتن می‌درد، آواز سر می‌دهد و پای می‌کوبد

معنویت‌گرایی اخیر مغرب زمینیان ایشان را گاه به تماشای سرنوشت غم‌انگیز حلاج بر سردار می‌نشانند، گاه در دریای جان عطار شناور می‌سازد و گاه در میدان رقص ابوسعید حاضر می‌آورد تا پله پله تاملات خدا رفتن را به همراهی ایشان تجربه کنند.

مایر در تحقیق اخیر در صدد بوده است تا چهره ابوسعید ابوالخیر عارف مشهور ایرانی (۴۴۰-۳۵۷) را از ورای ابرهای مه آلود تذکره‌های اولیاء که او را در خود پوشانیده و با خود می‌برد پیدا نماید، او در صدد است که این حجاب نامرئی را کنار بزند و چهره حقیقی او را از پس آن بنمایاند.

«بوسعید از بزرگترین آموزگاران نیکی و پاکی و آزاداندیشی و بی‌تعصبی و انسان دوستی و آزادگی و هوشیاری و سرمستی و روشن‌بینی و طنز و طهارت روحی است.» ابوسعید ابوالخیر در میان چهره‌های تاریخ تصوف ایران و اسلام یک نمونه استثنایی است.<sup>۱</sup>

«با اینکه از همان روزگار حیاتش مورد هجوم متعصبان مذهبی بوده و آوازه لابلای گری‌های او در همان عصر حیاتش تا اندلس رفته بوده است و این خرم‌اندلسی در زمان حیات او درباب او می‌گوید: «و هم شنیده‌ایم که پروزگار ما در نیشابور مردی است از صوفیان با کنیه ابوسعید ابوالخیر که گاه جامه پشمینه درمی‌پوشد و زمانی لباس حریر که بر مردان حرام است، گاه در روز هزار رکعت نماز می‌گزارد و زمانی نه نماز واجب می‌گزارد و نه نماز مستحبی و این کفر محض است، پناه بر خدا از این گمراهی!»<sup>۲</sup>

عارفی که از خود هیچ اثر منظوم یا منثور برجای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مریم حسینی

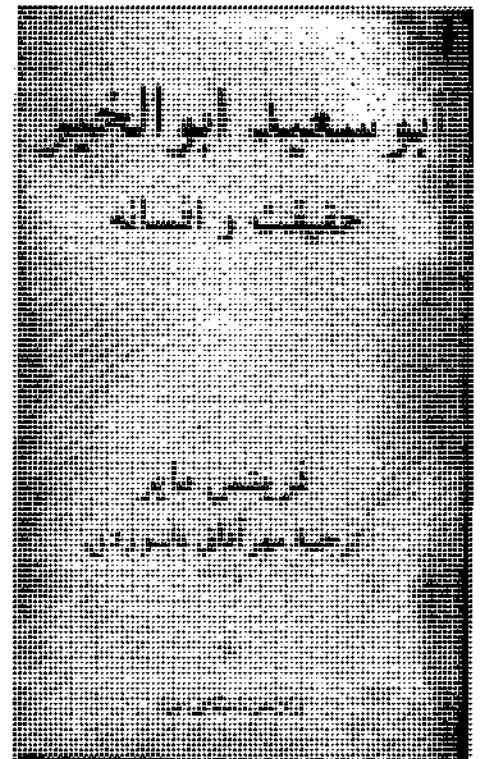
# از افسانه تا حقیقت

ابو سعید ابو الخیر، حقیقت یا افسانه

فریتس مایر

مهر آفاق بایبوردی

مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول: ۱۳۷۸



نگذاشته، هیچ فرقه و سلسله‌ای تشکیل نداده و مجموعه دانسته‌های پیرامون وی همه آن چیزی است که دو تن از احفاد او در دو کتاب «اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید»<sup>۲</sup> و «حالات و سخنان ابوسعید و ابوالخیر»<sup>۳</sup> جمع آورده‌اند.

مایر در این تحقیق مفصل غیر از دو اثر بالا که جزو منابع اصلی وی بشمار می‌روند از منابع متعدد دیگر به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی استفاده کرده‌است.

هر جا نسخه خطی، عکسی یا چاپی سراغ داشته که ممکن است نکته‌ای درباره ابوسعید در آن یافت شود مورد مطالعه و دقت نظر قرار داده‌است. کتابشناسی آغاز کتاب، خود نشانگر پهنه و ژرفای تحقیق مایر در این اثر است.

ابوسعید از این موهبت برخوردار شده است که توجه دو محقق بزرگ در شرق و غرب عالم را به خود جلب کند تا حدی که سالیان متمادی از عمر خود را وقف شناخت طریقت، اندیشه، سخنان، رفتار، مریدان و محبانانش نمایند.

در ایران دکتر شفیعی کدکنی دو اثر اصلی درباره ابوسعید را تصحیح کرده و مقدمه مفصلی پیرامون زندگی ابوسعید، خانواده او، صوفیان عصر او، سفرهای او، دیدار وی با ابن سینا، جایگاه وی در تصوف و نظرات وی در قلمرو کلام و فقه و... نگاشته است.

پژوهش گسترده مایر سوئسی نیز مشتمل بر بیست و دو باب است که ترجمه فارسی آن در ۶۵۰ صفحه منتشر شده است. با توجه به گستره مباحث مطروحه در ابواب مختلف این تحقیق می‌توان ادعان کرد که این کتاب نه تنها در صدد شناخت ابوسعید است بلکه بسیاری از مسائل پیچیده و غامض عرفانی را نیز

بررسی می‌کند و می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مجهولات حوزه عرفان باشد.

باب اول کتاب با عنوان «تعدد طریق در تصوف» به بحثی اساسی در باب چگونگی بوجود آمدن سلسله‌های مختلف و طریق صوفیه با توجه به خصوصیات ویژه پیر و مرشد خود دارند که مایر در این بخش اظهار می‌کند که در این روایات آنقدر تناقض و ابهام موجود است که می‌بایست در همه دانسته‌های خود درباره تصوف تأمل کرد و همه آنها را با دقت و پژوهشی تازه نقد کرد.

باب دوم منابع تحقیق درباره ابوسعید است در این باب مؤلف همانگونه که روش همه محققین اروپایی است بحثی در کتابشناسی ابوسعید دارد و درباره مهمترین مأخذ شناخت وی نقدی تحلیلی ارائه می‌دهد.

باب سوم با عنوان زندگی ابوسعید به کودکی وی تا رسیدن به مرحله کمال عرفان اشاره دارد. باب چهارم مناسبات ابوسعید با فرق مذهبی را بررسی می‌کند.

باب پنجم درباره ریاضتهای اوست و تلاش ابوسعید در رهایی از خود عنوان باب ششم کتاب است.

هیچ بودن، هیچ کسی نماد این عرف مرسوم ابوسعید است که او هر کجا که ذکر خویش کرده از من و ما پرهیز نموده است و گفت: «یکساعته اندیشه از نیستی خویش بهتر از یکساله عبادت با اندیشه هستی خویش»<sup>۵</sup>

باب هفتم سخنان ابوسعید است و آن معانی که در ضمن عرفان خود بیان فرموده‌است در نفی تکبر، خودرایی، تدبیر و مقاومت، مباحثی در تسلیم و رضا، حکم وقت، دوری جستن از متاع دنیا و...

باب هشتم به بارزترین خصلت روحی ابوسعید می‌پردازد به شادی وی، خوشدلی وی، آن سبک روحی

و سرخوشی که عموماً در فرهنگ عرفا رایج نبوده است. «نگاهی اجمالی به دوران تصوف کلاسیک تا عصر قشیری نشان می‌دهد که شادی در هیچ یک از مقامات عرفانی جایگاه قابل ملاحظه‌ای نداشته است»<sup>۶</sup>

«در حالیکه شادی عنصر اصلی زندگی معنوی ابوسعید بوده‌است. ابوسعید با شادیهای که در تکاپوی آن و در صدد برخورداری از آنهاست در کسوت یک صوفی پخته و کامل العیار به درجه‌ای از کمال می‌رسد که موفق می‌شود در پی ریاضتهای دوران جوانی خود و مجاهدات بی‌امان خاص صوفیه در جهت اعراض از دنیا، شباهت و هماهنگی خاصی با انسانهای شاد و سرخوش این دنیا بدست آورد»<sup>۷</sup>

شادخواریهای ابوسعید مایر را به آنجا می‌کشاند تا دریات شادی و حزن در بیان عرفا تحقیق نماید و فصلی از کتاب را به موضع پیشینیان در قبال شادی اختصاص دهد.

بحث درباره شادی، خود، موضوع خوف و رجای عارفان را پیش می‌کشد چرا که اکثر صوفیه شادی را نتیجه رجاء می‌دانند و از جمله صوفیه پیش از ابوسعید که مدافع و مبلغ یک جانبه امید بوده‌است یحیی بن معاذ رازی متوفی ۲۵۸ ه. است این نکته موجد فصلی با عنوان یحیی بن معاذ و امید است که طی آن مؤلف به بررسی دو اصطلاح عرفانی خوف و رجاء می‌پردازد و سپس طرفداران خوف و رجاء را طی فصلهایی معرفی می‌کند.

بحث قبض و بسط که مرحله بالاتر از خوف و رجاء است باب دهم کتاب است که خود می‌تواند کتابی مستقل محسوب شود. در فصل بعد مؤلف پس از تبیین اصطلاح «بسط» به هنر ابوسعید در حفظ حال بسط می‌پردازد و نمونه‌های گوناگونی ارائه می‌دهد.



فریدون مایر